



مفهوم مبارزه انقلابی :

در این سخنرانی پیرامون مفهوم مبارزه انقلابی سخن به میان آمده است شاید مفهوم مبارزه با بیان مثالهایی روشن شده است. اما مفهوم انقلاب که نیازمند شناخت انقلابی است در پرده‌ای از ابهام باقی مانده است. چرا؟

ما بیشتر گمان می‌کنیم که انقلابی کسی است که از روشهای تند و گاه خشن استفاده می‌کند ممکن است بیشتر انقلابیها چنین کنند ولی هیچکس به صرف داشتن روش مخصوص انقلابی شناخته نمی‌شود. انقلابی راستین کسی است که بتواند از امکانات موجود مبارزه، وسایلی برای پیروزی ملت خود بسازد. انقلابی راستین کسی است که بتواند مبارزه را در همهی شرایط اجتماعی با حفظ اصالت آن، بخاطر ملتی که بدان وابسته است دنبال کند و مبارزه را همیشه اصیل و آرمانخواه نگه دارد.

بکوشش دانشجویان پان ایرانیست

دانشگاه تهران

دیماه ۱۳۵۱

مفهوم مبارزه انقلابی

سخنرانی سرور دکتر عاملی در کنفرانس دانشجویی- چهارم آرمه ۱۳۵۰

دوستان عزیز دانشجو :

من امشب به عنوان يك دانشجوي قديمي و يك همسنگر ديرين با شما سخن مي‌گويم . وقتي سخن از اين به میان آمد که امشب را به کنفرانس دانشجویی اختصاص دهند و دوستان دانشجوی جوان من این افتخار را هم به من دادند که با آنها صحبت کنم . برای من این وظیفه را هم تعیین کردند که درباره ي « مفهوم مبارزه انقلابی » صحبت کنم.

در این هیچ تردید نیست که میهن ما نیازمند به يك دگرگونی انقلابی ریشهدار و ژرف می‌باشد که باید با يك مبارزه انقلابی به آن تحقق بخشید. شاید اگر این حقیقت سی سال پیش بیان می‌شد سخنی بود که به گوش ناآشنا می‌آمد ولی آنقدر گفته شد و آنقدر تکرار گردید که امروز بصورت معمولی‌ترین سخنان به گوش می‌رسد. چه آنهایی که به عظمت مفهوم مبارزه‌ی انقلابی آگاه و آشنا باشند و چه آنهایی که بویی از انقلاب نبرده‌اند، همه خود را انقلابی می‌دانند، و حتی آنهایی که خیلی دورتر و در دورترین نقطه از مفهوم « انقلابی » قرار گرفته‌اند خود را پاسدار انقلاب می‌دانند سبب چیست ؟ سبب این است که لزوم يك مبارزه انقلابی ، لزوم يك تحول ژرف و عمیق از سطح عقیده‌ی بعضی از گروه‌های اجتماعی تجاوز کرده و بصورت يك اعتقاد عمومی درآمده است. هیچکس نمی‌تواند در عرصه سیلست اجتماعی خودنمایی بکند مگر اینکه مدعی باشد انقلابی است. ولی باید در این محفل که يك محفل دانشجویی و علمی است درباره حقیقت مفهوم انقلاب و مبارزه انقلابی صحبت کنیم و باید معیار و محک‌هایی را ارائه دهیم که به کمک آن معیارها و محک‌ها بتوانیم درك نمایم که چه حرکتی مبارزه انقلابی است و چه مبارزه و حرکتی انقلابی نیست. این نکته‌ای است که باید روشن کرد و محکها و معیارهایی که برای شناختن انقلاب و حرکت انقلابی از حرکت غیر انقلابی هست معلوم و مشخص کرد. زیرا ما در این مورد میان دو شاخه « گزانبیر » قرار گرفته‌ایم : از سویی جذبه‌های عقب‌مانده و غیرمتحرک و آمیخته با جذبه حرکت خود نام « پاسداری انقلاب » را می‌گذارند ! ؟ و از سویی دیگر ، جنبه‌های متظاهر به

انقلاب که برای خنثی کردن و متوقف نمودن حرکت انقلابی ملت ایران شاید بدست همان عوامل کهنه هیئت حاکمه ، تحریک و تنظیم می‌شود.

این دو حرکت مثل دو شاخه گزانبیر ملت ایران را در میان گرفته‌اند، ملتی که حرکت انقلابی حق اوست ملتی که حرکت انقلابی باید بر شانه‌های او اتکاء داشته باشد. پس در اینجا لازم است که به راستی روی آن معیارها و محکها و ضوابطی بحث کنیم که به کمک آنها فکر انقلابی ، برنامه انقلابی ، و حرکت انقلابی از حرکت غیرانقلابی شناخته می‌شود.

بنابراین اجازه بدهید که این بحث را به دو بخش تقسیم کنیم در یک قسمت راجع به مفهوم مبارزه سخن گوئیم و در بخش دیگر پیرامون مفهوم انقلاب .

اول ببینیم مبارزه یعنی چه ؟ در یک مفهوم بسیار کلی و دیرینه ، مبارزه عبرت از حرکتی است که یک موجود زنده به قصد تطبیق با موقعیت و محیط به خود تحمیل می‌کند. مفهوم مبارزه آمیخته است با مفهوم زندگی ، زندگی بی‌مبارزه مرگ است و از این رو مبارزه از زندگی جدایی ندارد. حقیقت زندگی، مسیر زندگی است که اندیشه مبارزه را به مغزها القاء می‌کند. در این تعریف کلی مبارزه به مفهوم حرکت یک موجود زنده برای باقی ماندن و برای شکل‌دادن به ماهیت زندگی خود و به جوهر زندگانی خود و قدرتی که در نهادش نهفته است ، شناخته شده است.

اگر با این معنا به مبارزه نگاه کنیم عناصری که برای این مبارزه خواهیم شناخت . اجازه بدهید اول مثالی بزنیم: یک درخت یا یک گیاه بعنوان یک موجود زنده مبارزه می‌کند، با محیط اطرافش می‌جنگد ، راه خود را باز می‌کند. ریشه‌های این گیاه ، به مانند چنگال‌هایی در دل زمین به دنبال غذا حرکت می‌کند، ساقه زمین را می‌شکافد و بیرون می‌آید و در برابر عوامل جوی پوشش‌های مختلفی برای خود انتخاب می‌نماید. در تمام این مراحل مبارزه می‌کند. یک گیاه اگر در این مبارزه پیروز شد چه چیز را تجسم می‌دهد ؟ همان شکلی که ما آن را می‌شناسیم و آن را شاخه موجودیت هر گیاه می‌دانیم . یک درخت چنار سرانجام به شکل یک درخت چنار درمی‌آید، یک بوته گل همانند یک بوته گل ، مثلاً بوته گل سرخ درمی‌آید. یک ساقه گندم به شکل یک ساقه‌ی گندم درمی‌آید و اگر در این مبارزه پیروزی داشته باشد به آن حدی می‌رسد که در نهادش هست و نیروهای آن را در درون خود دارد. پس برای مبارزه ناگزیر باید دو عنصر را بشناسیم تا بتوانیم مبارزه را تجسم بخشیم اول ، کی هست که

مبارزه می‌کند و کیست که می‌جنگد؟ مبارزه بلی، اما مبارز، یعنی آن موجودیتی که مبارزه می‌کند کیست؟

بسیاری از اشتباهات سیاسی از پاسخ به همین پرسش ناشی می‌شود؟ یعنی در مورد اینکه کیست که مبارزه می‌کند پاسخ غلط می‌دهند. نوم اینکه این موجودی که می‌جنگد می‌خواهد به کجا برسد؟! اگر این دو مسئله حساس روشن نباشد، هیچ مبارزی نمی‌تواند برنامه‌ی مبارزه خود را طرح و تنظیم کند. وقتی ما سخن از مبارزه به میان می‌آوریم، سخن از مبارزه يك ملت است، این ملت ما است که مبارزه می‌کند. برای ما که در زیر این سقف و در زیر آسمان کبود ایران جمع شده‌ایم هنگامی مفهوم مبارزه مطرح می‌شود، مطلق مبارزه نیست بلکه مبارزه ملت ما است، و این نکته‌ای بسیار حساس می‌باشد. در مسیر مبارزه ملت ایران، هرکسی آگاه یا ناآگاه وقتی سخن از مبارزه به میان می‌آورد، یعنی اینکه: «من می‌خواهم در بستر مبارزه‌ی حیاتی ملت خود قرار گیرم» و چنین مبارزاتی در پیشگاه ملت ما، در تمام اعصار تاریخ مطرح بوده و در هیچ عصری هم نخواهد بود که چنین مبارزه‌ای مطرح نباشد، زیرا ملت ما زنده است و حیات موجود زنده از مبارزه جدایی نخواهد داشت. پی‌پاسخی که ما به این پرسش می‌دهیم یعنی اینکه چه کسی می‌خواهد مبارزه کند؟ این است که، مبارزه ملت ما مطرح است، این مبارزه در راه چه آرمانی است؟ یعنی این ملت برای چه مبارزه می‌کند و برای چه می‌جنگد؟ برای اینکه به آن ظرفیت حیاتی خود برسد و ظرفیت خود را پر کند. این نه تنها قانون مبارزه حیاتی ملت ما است بلکه قانون مبارزه حیاتی همه‌ی ملت‌های جهان است. ملت‌هایی که بر اثر صدمات و هجوم‌های بیگانگان و خبیثت عناصر داخلی دچار تجزیه شده باشند. این ملت‌ها می‌جنگند برای آنکه وحدت خود را بدست آورند، ملت‌هایی که در اثر نفوذهای خارجی و حوادث تاریخی و خیانت‌های داخلی، استقلال خود را از دست داده‌اند می‌جنگند، برای اینکه استقلال خود را دگر باره بدست آورند. هر ملتی بر حسب موقعیت تاریخی خود می‌جنگد و می‌کوشد تا به ظرفیت تاریخی خود دست یازد، و آنچه را در نهاد دارد تجسم و تجلی دهد. پس مفهوم مبارزه‌ی فرد عبارت است از، پیوستن به بستر حیاتی يك ملت و درك حقایق زندگی تاریخی آن ملت و کوشش در راه تحقق آرمان‌های آن ملت و این عبارت است از مفهوم اصلی مبارزه. پس هر مبارزه ملی با هر شکل و چهره‌ای که آغاز شود، سرانجام در سیمای ملی

خود به پیروزی خواهد رسید. بهر حال در این بحث تا حدی مفهوم « مبارزه » برای ما روشن گردید و به شرح و تفصیل بیشتری نمی‌پردازیم.

حال به مفهوم انقلابی مبارزه می‌پردازیم. مفهوم انقلابی مبارزه یعنی نوعی از مبارزه که دارای خاصیت ویژه‌ای است، این مفهوم انقلابی ممکن است به شیوه‌ها و تاکتیک‌های مبارزه تعبیر بشود و نیز ممکن است به اصل و مفهوم و هدف مبارزه تعبیر شود، و در اینجاست که باید این نکات را حل‌جا کنیم. با اعتقاد ما مفهوم انقلابی مبارزه در میان محیط اجتماعی و سیاسی که، تمام کوششها مصروف آن است که مبارزه را در مسیری غیر از مبارزه‌ی ملی قرار دهد، عبرت از آن خواهد بود که مبارزات اجتماعی را به هر شکل و صورت که آغاز شده است، در صورتیکه اصیل و خودساخته باشد، به سوی یک مبارزه‌ی آرمان‌خواهانه که بر مبانی علم ناسیونالیسم انطباق داشته باشد، متشکل سازد و در چنین مسیری رهبری نماید.

از آنجایی که بسیاری از نیروهای اجتماعی ما نمی‌توانند منکر حقیقت مبارزه شوند و این را احساس می‌کنند و می‌بینند که هر جوانی خواستار مبارزه است، مثلاً وقتی به محیط دانشجویی نگاه می‌کنند می‌بینند این محیط یکپارچه شور است، یکپارچه احساس است، یکپارچه خواست تحرک است، یکپارچه خواست مبارزه است و یکپارچه خواست کوشش است. بنابراین هر یک از نیروهای جهاتخوار کوشش می‌کنند که با هدفها و با روحیه‌ی تحرک محیط دانشجویی خود را هم‌آهنگ سازند، اما با یک تاکتیک ساده کوشش می‌کنند که مبارزات را فقط در مسیری که با سیاستهای آنها انطباق داشته باشد، به حرکت درآورند. مفهوم انقلابی مبارزه از نظر ما به این معناست که مبارزه‌ی دانشجویان ایرانی در مسیر مبارزه تاریخی و در مسیر مبارزه‌ی ناسیونالیستی ملت ایران قرار گیرد، یعنی این حرکت تند که علیرغم تمام فشارها، علیرغم تمام کوشش‌هایی که برای دگرگون کردن سیمای مبارزاتی وجود دارد باید که نسل جوان این حرکت انقلابی را در خود بوجود آورد؟ یعنی که مبارزه ملت ایران را در بستر تاریخی حیات ملت ایران پیاده کند.

به این تعبیر ما مبارزه‌ی انقلابی را مبارزه‌ی پرتحرک و برخوردار از سرعت کافی می‌دانیم ولی، از سوی دیگر مبارزه‌ی انقلابی را در سطح حیاتی یک ملت، مبارزه‌ی می‌دانیم که علیرغم همه‌ی مخالفت‌های گروه‌هایی به ظاهر انقلابی درست در مرزهای مبارزه‌ی ناسیونالیستی قرار داشته باشد و شهادت

و جسارت آن را داشته باشد که خود را از پیروزی قطبهای متظاهر به انقلاب، خلاصی دهد و مبارزه را تنها با امکانات ملی، بوسیله نیروهای ملی، در راه تأمین حقوق ملی، طرح‌ریزی و رهبری نماید.

چون چنین مبارزه‌ای، تنها شکل ممکن مبارزه برای پایان دادن به رنجها و آغاز بهروزی ملت می‌باشد، از طرف نیروهای هیئت حاکمه نیز همیشه بخاطر سرکوب کردن اینگونه کوششهای اصیل توطئه‌چینی می‌شود.

عوامل هیئت حاکمه همیشه آمادگی دارند که با صحنه‌سازیهای مختلف، از تشکل سالم و خودبه‌خود نیروهای دانشجویی جلوگیری نمایند و غالباً حربه‌ی تهمت و منتسب کردن دانشجویان به قطبهای بیگانه را وسیله‌ی تهاجم به نیروهای نوحاسته‌ی دانشجویی قرار داده‌اند، به همین دلیل تاکنون فرصت مناسب و لازم برای رشد نیروهای اجتماعی دانشجویان در اختیار آنان قرار نگرفته است و امکانات عظیمی که در محیط دانشگاه هست بکار گرفته نشده، و یا امکان بکارگرفتنش به این نیروها داده نشده است. هر وقت نیروی دانشگاه حرکتی کرد فوراً شما شنیدید که صنف موهوم سقط فروش فلان شهرستان دور افتاده، یا انجمن محلی موهوم فلان محله دورافتاده بر ضد دانشجوی اعلامیه داد و فوراً صفحات روزنامه‌ها و پرده‌ی تلویزیون‌ها از میتینگهای گروه‌های چندی که بر ضد دانشجوی صحبت می‌کنند پر شد! اما کدام خانواده‌ای است که بر ضد فرزند خود صحبت بکند؟ اینها فقط یک صحنه‌سازی است، صحنه‌سازی برای اینکه نیروهای نسل جوان تشکل پیدا نکنند و به مفهوم عمیق و راستین و انقلابی مبارزه آشنایی نیابند. حل روی چنین زمینه‌ای که برای شما محسوس و روشن می‌باشد می‌پرسم کجاست انجمنهای دانشجویی دانشگاه‌ها پس از اینهمه سخنانی که گفتند؟ چرا چنین انجمنها و سازمانهایی که باید مظهر تشکل و نیروی جوان دانشگاه باشد بوجود نیامده است؟! اگر این نیروها متشکل بشوند و روی پای خودشان روی احساس خودشان، روی صدای قلب خودشان عمل بکنند، آیا حرکت و خروش آنها به جز بخاطر این وطن، این وطن بزرگ و مقدس خواهد بود؟ دانشجوی هیچ کجای دنیا، تحت هیچ رژیم حرکت نکرد، هیچ حرکت آزاد و پرخروشی نکرد، مگر در راه مصالح و منافع آن ملت. در رژیم‌های به اصطلاح کاپیتالیست، دانشجویان با غل و زنجیر مواجه هستند و کاپیتالیستها اینطور تبلیغ می‌کنند که: بله، این تبلیغات جهان زیرزمینی کمونیستها است که دانشجویان را حرکت داده است، اما

آنوقت جوابی ندارند که بگویند ، پس دانشجوی لهستانی ، دانشجوی مجاور و دانشجوی رومانی ، اینان که در زیر خروش تبلیغات کمونیستها برای اینکه برضد نیروهای مهاجم بجنگند ، قیام می کنند بدست چه کسانی تحریک می شوند؟ دانشجوی در هر رژیمی سالم مبارزه می کند، درست می جنگد ، همه جا با غارتگر می جنگد . این گناه دانشجوی نیست که یکجا رنگ استعمار سرخ است و جای دیگر سیاه ، گاه کهنه و گاه نوین است. این افتخار دانشجویست که در سراسر دنیا ، با هر رنگ و شکل استعمار می جنگند. اینها حقایق است ، که اگر ملت ما و دانشجوی ما ، به اتکاء نیروی خود امکان آن را پیدا نمایند که حرکت کنند، با استعمار، با فساد، با عدم تحرك و با سرکوب شدن نیروهای انسانی می جنگند، با محدود شدن تحصیل ، با طبقاتی شدن تحصیل نبرد می کنند اینها حقایق وجود و راه ملت ماست ، و این دانشجوی با بسیج طبیعی خود در چنین راههایی مبارزه خواهد کرد. این مبارزه از لحاظ گروههای مخالف مطلوب نیست، این مبارزه طبیعی که از خون این ملت سرچشمه می گیرد برای گروههای فاسد و تباه خوشایند نیست ، و به همین دلیل است که تمام کوششها، و تمام تمهیدات فقط و فقط در راه این است که نیروهای جوان در این کشور ، تشکل سالم را در راه سیاسی ناسیونالیسم پیدا نکنند. در عرصه این واقعیت است که حزب پان ایرانیست همه ی دانشجویان را برای پیوستن به چنین مبارزه ای دعوت می نماید. لازم به یادآوری است که ما به خود حق می دهیم که از شما دعوت کنیم زیرا که ما ، موجودیت نهضت خود را مرهون مبارزات دانشجویی خود می دانیم ، ما از میان دانشگاه این مبارزه را شروع کردیم و در زمانی که هر بیگانه ای برای خود حزبی داشت ، هر بیگانه ای برای خود تشکیلاتی داشت و ما ، در برابر این پرسش قرار گرفته ایم که پس در این میان تکلیف صاحبخانه ها چیست ؟ حزب ملت ما کجاست ؟ بسیاری از شما حوادث ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۵ را به یاد نمی آورید، ولی این نهضت در آن سالها شکل گرفت ، در آن سالها که وطن ما اشغال شده بود. روس ، انگلیس ، و آمریکا به عنوان اشغالگر ، البته در زیر نقاب متفق عزیز در این سرزمین بودند و هرکدام از آنها برای خود حزبی داشتند و این حزبه در دانشگاه کوششها و فعالیتهایی را دنبال می کردند.